**حکایاتی آموزنده از امام باقر علیه السلام**

**حاجیان انسان نما**

ابوبصیر كه یكى از اصحاب با وفاى امام محمّدباقر و امام جعفر صادق علیهماالسلام و نیز یكى از راویان حدیث مى باشد، می گوید:

به همراه حضرت باقرالعلوم علیه السلام در مراسم حجّ بیت اللّه الحرام شركت كردم، چون در جمع حُجّاج قرار گرفتیم، به آن حضرت عرضه داشتم: یا ابن رسول اللّه! امسال حاجى ها بسیار هستند و ضجّه و شیون عظیمى بر پا است!

حضرت فرمود: آری، ضجّه و شیون بسیار مى باشد، ولى حاجى بسیار اندك است، سپس افزود: اى ابو بصیر! آیا دوست دارى آنچه را گفتم ببینى تا بر ایمانت افزوده گردد؟

عرض كردم: بلى .

پس از آن، خضرت دست مباركش را بر صورت و چشم هایم كشید و دعائى را زمزمه نمود و سپس فرمود: اى ابوبصیر! اكنون خوب نگاه كن ببین چه مى بینى.

همین كه چشم هایم را گشودم و دقّت كردم بیشتر حاجیان را شبیه حیواناتى مانند خوك، میمون و... دیدم، ولى انسان در میان آنان بسیار كم بود، همانند ستارگانى درخشان در فضائى تاریك. عرض کردم: درست فرمودى، اى مولاى من! حاجیان اندك و سر و صدا بسیار است .

سپس امام باقر علیه السلام دعائى دیگر زمزمه نمود و دیدگان من به حالت اوّل بازگشت، و پس از آن فرمود: ما بخیل نیستیم، لیكن مى ترسیم فتنه اى در بین مردم واقع شود و آنان لطف و فضل خداوند را نسبت به ما نادیده بگیرند و ما را در مقابل خداى سبحان قرار دهند، با این كه ما بندگان خدا هستیم و از عبادت و اطاعت او سرپیچى نمى كنیم و در تمام امور تسلیم محض او بوده و خواهیم بود.

**بهترین دارو**

محمّد بن مسلم می گوید:

روزى در مدینه بیمار بودم، امام محمّد باقر علیه السلام توسّط غلامش ظرفى كه در آن شربتى مخصوص قرار داشت و در پارچه اى پیچیده بود، برایم فرستاد.

وقتى غلام آن شربت را به من داد، گفت: مولا و سرورم فرموده است باید براى درمان و علاج بیمارى خود، آن را بنوشى .

هنگامى كه خواستم آن را بنوشم، متوجّه شدم كه آن شربت بسیار خوشبو و خنك است .

و چون شربت را نوشیدم، غلام گفت: مولایم فرموده است پس از آن كه شربت را نوشیدى، حركت كن و نزد ما بیا.

من در فكر فرو رفتم كه چگونه به این سرعت خوب شدم؟!

و این شربت چه داروئى بود؟ چون تا قبل از نوشیدن شربت قادر به حركت و ایستادن نبودم .

بهرحال حركت كردم و به حضور امام علیه السلام شرفیاب شدم، و دست و پیشانى مبارك آن حضرت را بوسیدم، و چون گریه مى كردم حضرت فرمود: چرا گریه مى كنى؟

عرض كردم: اى مولایم! بر غریبى و دورى مسافت خانه ام از شما و همچنین بر ناتوانى خویش گریه مى كنم از این كه نمى توانم مرتّب به خدمت شما برسم و كسب فیض نمایم .

حضرت فرمود: و امّا در رابطه با ناتوانى و ضعف جسمانیت، متوجّه باش كه اولیاء و دوستان ما در این دنیا به انواع بلا و مصائب گرفتار مى شوند، و مؤمن در این دنیا هر كجا و در هر وضعیتى كه باشد غریب خواهد بود تا آن كه به سراى باقى رحلت كند. امّا این كه گفتى در مسافت دورى هستى، پس به جاى دیدار با ما، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برو؛ و بدان آنچه را كه در قلب خود دارى و معتقد به آن باشى با همان محشور خواهى شد. سپس حضرت فرمود: آن شربت را چگونه یافتى؟

عرض كردم: شهادت مى دهم بر این كه شما اهل بیت رحمت هستید. من قدرت و توان حركت نداشتم، اما به محض این كه آن شربت را نوشیدم، ناراحتیم برطرف شد و خوب شدم.

حضرت فرمود: آن شربت، دارویى برگرفته شده از تربت قبر مطهّر امام حسین علیه السلام است، كه اگر با اعتقاد و معرفت استفاده شود شفاء و درمان هر دردى خواهد بود.

**كلید بدبختى ها**

روزى امام محمّد باقر علیه السلام جهت زیارت خانه ی خدا، وارد مسجدالحرام گردید، در هنگام طواف حرم الهى، عدّه اى از قریش - كه در گوشه اى نشسته بودند - چون نگاهشان به حضرت افتاد، به یكدیگر گفتند: این كیست كه با این كیفیّت عبادت مى نماید؟

شخصى به آن ها گفت: او محمّد بن علىّ علیهماالسلام، امام و پیشواى مردم عراق است .

یكى از آنان گفت: یك نفر را به نزد او بفرستیم تا از او مسئله اى پرسش نماید.

پس جوانى از آن میان داوطلب شد، و همین كه نزد حضرت رسید، خطاب به ایشان گفت: بزرگ ترین گناه كدام است؟

امام علیه السلام فرمود: نوشیدن شراب.

جوان بازگشت، و جواب حضرت را براى دوستان خود بیان كرد.

آنان به او گفتند: نزد او باز گَرد، و همین سؤال را دو مرتبه مطرح نما.

جوان دوباره به خدمت امام علیه السلام رسید، و همان سؤ ال را تكرار كرد، كه بزرگ ترین گناه چیست؟

حضرت فرمود: نوشیدن شراب بزرگ ترین گناه است؛ و سپس افزود: شراب، عقل و اراده انسان را ضعیف و بلكه نابود مى كند و پس از آن كه عقل زائل گشت، شخص مرتكب اعمالى چون زنا، دزدى، آدم كشى، شرك به خدا و ... مى شود. و خلاصله آن كه نوشیدن شراب، كلید تمام بدبختى ها و شرارت ها است و مفاسد آن از هر گناهى بالاتر مى باشد، همانطور كه درخت انگور سعى مى كند از هر درختى بلندتر باشد و بالاتر رود.

منبع: بخش تاریخ و سیره معصومین تبیان